

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده، با رحم

ق- و الْقُرْآنِ الْمَجِيدِ (1)

قاف. قسم به قرآن با عظمت. (1)

بَلْ عَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ فَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ (2)

بلکه شگفت کردند آنکه آمد به ایشان بیم دهنده ئی از ایشان پس گفتند نامعتقدان: این است چیزی شگفت انگیزی. (2)

أَ إِذًا مِتْنَا وَ كُنَّا تُرَابًا صِ دَالِكِ رَجَعُ بَعِيدٌ (3)

آیا وقتی که مرديم و باشيم خاک؟ این برگشتی دور (از عقل) است. (3)

فَدَعَلِمْنَا مَا تَنْقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ صِ وَعِنْدَنَا كِتَابٌ حَفِيظٌ (4)

به یقین دانستیم ما آنچه کم می کند زمین از ایشان؛ و نزد ما کتابی نگهداری است. (4)

بَلْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَهُمْ فِي أَمْرٍ مَّرِيحٍ (5)

بلکه به دروغ نسبت دادند حق را چون آمد به ایشان پس ایشان در کاری آشفته اند. (5)

أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَ زَيَّنَّاهَا وَ مَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ (6)

آیا پس تدیده اند به سوی آسمان بالای شان چگونه بنا کردیم ما آن را و آراستیم ما آن را و نیست برای آن از شکاف ها. (6)

وَ الْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَ أَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ (7)

و زمین را گسترانیده ایم ما آن را و افگندیم ما در آن کوه های ثابت و رویانیدیم ما در آن از هر جوره زیبا. (7)

تَبَصَّرَةٌ وَ ذِكْرَىٰ لِكُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ (8)

بینشی و یاد آوری ئی برای هر بنده رجوع کننده ئی. (8)

وَ نَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبَارَكًا فَأَنْبَتْنَا بِهِ جَنَّاتٍ وَ حَبَّ الْحَصِيدِ (9)

و فرو فرستادیم ما از آسمان آبی با برکت پس رویانیدیم ما به آن بوستان ها و دانه درو شده. (9)

وَ النَّخْلَ بَاسِقَاتٍ لَهَا طَلْعٌ نَّضِيدٌ (10)

و درخت خرماى بلند، برای آن خوشه گل ترتیب شده ئى. (10)

رِزْقًا لِلْعِبَادِ صلى وَ أَحْيَيْنَا بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا كَذَلِكَ الْخُرُوجُ (11)

روزی برای بنده گان؛ و زنده ساختیم ما به آن شهر (سرزمین) مرده را. همچنین باشد بیرون شدن (از قبر ها). (11)

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ أَصْحَابُ الرَّسِّ وَ ثَمُودُ (12)

به دروغ نسبت کردند پیش ایشان قوم نوح و اهل رس و ثمود. (12)

وَ عَادُ وَ فِرْعَوْنُ وَ إِخْوَانُ لُوطٍ (13)

و عاد و فرعون و برادران لوط. (13)

وَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ وَ قَوْمُ ثُبَعٍ كُلُّ كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ وَعِيدُ (14)

و اهل ایکه و قوم ثبع. همه به دروغ نسبت کردند پیغمبران را پس ثابت شد و عده (عذاب کردن من). (14)

أَفَعَيِينَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ بَلْ هُمْ فِي لَبْسٍ مِّنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ (15)

آیا پس خسته شده بودیم ما به آفرینش نخست؟ بلکه ایشان در شبه اند از آفرینش نو. (15)

وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَ نَعْلَمُ مَا تُوَسَّوَسُ بِهِ نَفْسُهُ وصلى وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ (16)

و البته به یقین آفریدیم ما انسان را و میدانیم چه به خاطر می گذراند به او نفس او؛ و ما نزدیک تریم به او از شاه رگ گردن. (16)

إِذْ يَتَلَفَّى الْمُتَلَفِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَ عَنِ الشَّمَالِ فَعِيدُ (17)

چون فرا می گیرد دو فرا گیرنده از جانب راست و از جانب چپ نشیننده. (17)

مَا يَلْفُظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ (18)

نمی آورد به زبان از سخنی مگر نزد او است نگهبانی آماده. (18)

و جَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ **مِ** ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ (19)

و آمد بیهوشی مرگ به حق؛ این است آنچه بودی تو از آن کناره می گرفتی. (19)

و نُفِخَ فِي الصُّورِ **؛** ذَلِكَ يَوْمُ الْوَعِيدِ (20)

و دمیده شد در صور. این است روز وعده. (20)

و جَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَ شَهِيدٌ (21)

و آمد هر نفسی همراه او رهنمائی (به جایگاه) و گواهی (بر اعمال). (21)

لَقَدْ كُنْتُمْ فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكُمْ غِطَاءَكُمُ فَبَصُرْتُمُ الْيَوْمَ **حَدِيدٌ** (22)

البته به یقین بودی تو در غفلت از این پس برداشتیم ما از تو پرده ترا پس بینائی تو امروز تیز بین است. (22)

و قَالَ قَرِينُهُ **هَذَا** مَا لَدَيَّ **عَتِيدٌ** (23)

و گفت (فرشته) همنشین او: این است آنچه نزد من بود آماده. (23)

أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ **عَنِيدٍ** (24)

بیافگنید (ای دو فرشته) در دوزخ هر ناسپاس سرکش را. (24)

مَنَاعٍ **لِّلْخَيْرِ** مُعْتَدٍ **مُّرِيبٍ** (25)

منع کننده به خیر، از حد گذرنده، شک آورنده را. (25)

الَّذِي **جَعَلَ** مَعَ اللَّهِ **إِلَهًا** **آخَرَ** فَالْقَبِيَاهُ فِي الْعَذَابِ **الشَّدِيدِ** (26)

آنکه ساخت همراه خدا معبود دیگری پس بیافگنید او را در عذاب سخت. (26)

قَالَ قَرِينُهُ **رَبَّنَا** مَا **أَطَعْنَاهُ** **وَأَلَكُنْ** **كَانَ** فِي **ضَلَالٍ** **بَعِيدٍ** (27)

گفت همنشین او: پروردگارا نکردم من سرکش او را ولیکن بود در گمراهی دور. (27)

قَالَ **لَا** **تَخْتَصِمُوا** **لَدَيَّ** **وَ** **قَدْ** **قَدَّمْتُ** **إِلَيْكُمْ** **بِالْوَعِيدِ** (28)

فرمود: نکنید کشمکش نزد من و به یقین پیش فرستادم به سوی شما وعده را. (28)

مَا يُبَدِّلُ الْقَوْلَ لَدَيَّ وَ مَا أَنَا بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ (29)

نمی شود تبدیل سخن (وعده) نزد من و نیستم من ستم کننده بر بنده گان. (29)

يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأَتْ وَ تَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِيدٍ (30)

روزی که میگوئیم ما برای دوزخ آیا پر شده ئی و میگوید آیا از (این) زیاده است؟ (30)

وَ أُرْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ (31)

و نزدیک کرده شود بهشت برای پرهیزگاران نه دور. (31)

هَذَا مَا تُوْعَدُونَ لِكُلِّ أَوَّابٍ حَفِيظٍ (32)

این است آنچه وعده داده می شوید شما را برای هر بنده رجوع کننده نگهبان. (32)

مَنْ خَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ وَ جَاءَ بِقَلْبٍ مُنِيبٍ (33)

کسی که ترسید الرحمن را به نادیده و آمد با قلبی رجوع کننده ئی (به خدا). (33)

ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ^{صلى} ذَلِكَ يَوْمَ الْخُلُودِ (34)

در آئید در بهشت به سلامتی؛ این است روز همیشه باشنده گی. (34)

لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَ لَدَيْنَا مَزِيدٌ (35)

برای ایشان است آنچه می خواهند در آن جا و نزد ما بیشتر. (35)

وَ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّنْ قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَادِ هَلْ مِنْ مَّحِيصٍ (36)

و چقدر هلاک ساختیم ما پیش ایشان از نسل ها ایشان بودند بیشتر از ایشان در قوت پس

جستجو کردند در شهر ها: آیا است از پناهگائی؟ (36)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَ هُوَ شَاهِدٌ (37)

هر آئینه در این البته پندی است برای کسی که است برای او قلبی یا نهاد گوش و او است

گواه (متوجه). (37)

وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِنْ لُغُوبٍ (38)

و البته به یقین آفریدیم ما آسمان ها و زمین را و آنچه میان آنها است در شش دوره و نرسید ما را از خسته گی. (38)

فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ (39)

پس شکیبائی کن بر آنچه می گویند و به پاکی یاد کن با ثنا و سپاس پروردگار خود را پیش بر آمدن آفتاب و پیش نشست (آفتاب). (39)

وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَادْبَرْ السُّجُودَ (40)

و از شب پس به پاکی یاد کن او را و عقب سجده ها. (40)

وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ (41)

و بشنو: روزی که ندا می کند ندا کننده از جای نزدیک. (41)

يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ۚ ذَٰلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ (42)

روزی که می شنوند نعره شدیدی را به حق. این است روز بیرون شدن. (42)

إِنَّا نَحْنُ نُحْيِيهِ وَنُمِيتُهُ وَإِلَيْنَا الْمَصِيرُ (43)

هر آینه ما زنده می کنیم و می میرانیم و به سوی ما است باز گشت. (43)

يَوْمَ تَشَقُّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ۚ ذَٰلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ (44)

روزی که می شگافد زمین از ایشان شتابان. این است جمع کردن بر ما آسان. (44)

نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ ۚ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ ۚ فَذَكَرْ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخَافُ وَعَبِيدٍ (45)

ما دانا تریم به آنچه می گویند؛ و نیستی تو بر ایشان مجبور کننده؛ پس پند ده به قرآن کسی را که می ترسد و عده را. (45)